

اهمیت و کارکردهای اقتصادی، راه‌قم - قصرشیرین در دوره صفویه

ابراهیم اصلانی*

سعیده سلطانی مقدم**

چکیده

اهمیت جاده قم - قصرشیرین به دوره‌های قبل از قاجار برمی‌گردد، اما در زمان قاجاریه و بهبود روابط ایران و عثمانی اهمیتی دوچندان به خود گرفت. این جاده زمینه مبادلات محصولات کشاورزی را به اروپا فراهم می‌کرد. نوشتار حاضر، به تأثیرات سیاسی، اقتصادی، راه‌قم - قصرشیرین می‌پردازد.

برای پاسخ به این پرسش، با استفاده از شیوه تحلیلی - توصیفی و بهره‌گیری از منابع این دوره، به بررسی این موضوع پرداخته‌ایم و به عبارتی تلاش می‌کنیم که نشان دهیم که راه‌قم - قصرشیرین در دوره قاجار، مهم‌ترین راه داخلی ایران تا سرحدات غرب کشور بوده است. این راه به دلیل کارکردهای متنوعی که داشت، تأثیرات همه‌جانبه‌ای را در حیات سیاسی و اقتصادی شهرها، سکونتگاه‌ها و منازل واقع شده در طول مسیر بر جای گذارده است.

کلیدواژه‌ها: راه‌قم - قصرشیرین، اقتصاد، سیاست، قاجار.

۱. مقدمه

ایران راه‌های متعددی برای ارتباط با کشورهای اطراف و اروپایی در دوره قاجار داشت که مهم‌ترین آن جاده قم - قصرشیرین بوده است. اهمیت اقتصادی این راه به روابط دو دولت قاجار و عثمانی برمی‌گشت. روابط غیرحسنة ایران و عثمانی در دوره قاجاریه ادامه‌یافت و

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک aslani.ebrahim@gmail.com

** کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اراک saeedesoltanimoghadam@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۱۳

درگیری‌های متعددی میان سپاهیان دو دولت روی داد. در زمانی که این رابطه بهبود پیدامی‌کرد، روابط تجاری و اقتصادی نیز بیشتر می‌شد؛ به نحوی که از این زمان، عثمانی به مهم‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل گردید.

در نوشتار حاضر، این فرضیه بررسی می‌گردد که مسیر قم - قصرشیرین تأثیرات اقتصادی بر روی شهرهای مسیر گذاشته است. مسیر یادشده مورد استفاده طبقات گوناگون اجتماعی قرار می‌گرفته است. مطالب موجود در منابع دوره قاجار نشان می‌دهد که در این دوره امنیت و آبادانی راه‌ها مورد توجه خاص بوده است. این راه تأثیرات همه‌جانبه‌ای را در حیات سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی شهرها، سکونتگاه‌ها و منازل واقع شده در طول مسیر بر جای گذارده است. نیاز بغداد به انواع کالاهای ایرانی سبب گردید که تجار از این مسیر تجارت پررونقی را با بغداد برقرار کنند؛ حتی غربی‌ها نیز در امر تجارت از این راه سود می‌جستند؛ به‌ویژه انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و روس‌ها که علاقه وافری به تجارت فرش داشتند.

۲. تاریخچه راه قم - قصرشیرین

تاریخچه راه قم - قصرشیرین را از دوره صفویه پی می‌گیریم که به جهات گوناگون، دوران اهمیت یافتن این مسیر از دوره صفویه آغاز می‌شود.

تأسیس سلسله صفویه زمانی رخ داد که دولت عثمانی در اوج قدرت بود. توسعه روزافزون قلمرو عثمانی‌ها در مغرب ایران و تجاوز ازبکان به خراسان، ایران را با خطر تجزیه و تقسیم آن بین ترکان عثمانی و ازبکان مواجه ساخته بود. صفویه تحت لوای مذهب شیعه، این خطر را از بین بردند و استقلال ارضی و وحدت سیاسی ایران را واقعیت بخشیدند. این امر به بروز جنگ‌هایی میان ایران و عثمانی منجر شد. با این حال، هرگاه آتش جنگ و خصومت فروکش می‌کرد، مجال برای مناسبت‌های تجاری فراهم می‌آمد. اما، مهم آن است که ترکان با وجود همه نابسامانی‌ها و منازعات سیاسی و برخورد‌های نظامی، تلاش می‌کردند تا ابریشم مورد نیاز کارگاه‌های پارچه‌بافی بورسه را از مسیر قم - قصرشیرین تأمین کنند. آنها در تلاش‌های اقتصادی‌شان، حتی از واردآوردن فشار سیاسی - نظامی مضایقه نمی‌کردند. عثمانی‌ها پس از جنگ چالدران و تسخیر بغداد، بر راه قم - قصرشیرین تسلط کامل یافتند تا از این راه، همچنان ابریشم مورد نیاز آنها تأمین شود (لاکهارت، ۱۳۸۰: ۲۷۷)، هرچند در اواخر قرن شانزدهم، با توجه به اهمیت شهر تبریز و به‌خصوص بعد از روی کارآمدن سلسله صفوی و رونق گرفتن راه تجارته

تبریز - قزوین - قم - کاشان به اصفهان رفته، از اهمیت اقتصادی مسیر قم - قصرشیرین تا حدودی کاسته شد (گروته، ۱۳۶۹: ۱۸۳).

در زمان ضعف و فتور دولت صفویه تا روی کار آمدن نادرشاه، دوره رکود و بی رونقی راه قم - قصرشیرین رقم می خورد، تا آنکه نادرشاه موفق به تشکیل سلسله افشاریه شد. نادر نیز رویه دولت صفویه را با عثمانی درپیش گرفت و سه بار به بغداد لشکر کشید تا آنکه بعد از تشکیل انجمن دینی نجف، پیشنهادهای نادرشاه مبنی بر لزوم رعایت حقوق تجاری بازرگانی ایرانیان توسط عثمانی و بسته شدن معاهده زهاب، روابط دوستانه برقرار گردید. دوباره راه قم - قصرشیرین رونق یافت (نصیری، ۱۳۶۴: ۱۳). بعد از نادرشاه، به دلیل بروز هرج و مرج، رونق این راه دوباره دچار رکود گردید، اما با روی کار آمدن کریم خان و برقراری صلح و آرامش، مجدداً پای اروپاییان به ایران باز شد (مهدوی، ۱۳۸۸: ۱۷۴) و راهها بسیار امن گردید. گزارش کنسول فرانسه در بغداد حاکی از آن است که امنیت راهها مجدد برقرار شده بود و کاروانهای تجارتي و زیارتي زیادی در این مسیر آموشد می کردند؛ تا آنجا که پانزده الی بیست هزار خانواده ایرانی که تا آن زمان در بغداد زندگی می کردند، تصمیم به بازگشت به ایران گرفته بودند (هدایتی، ۱۳۴۴: ۲۱۰). مطالب موجود در منابع دوره قاجار نشان می دهد که در این دوره امنیت و آبادانی راهها مورد توجه خاص بوده است؛ توجه به راهها در دوره ناصرالدین شاه چشمگیر بوده است (بایندر، ۱۳۷۰: ۳۹۰). او علاقه قابل توجهی به بازسازی و مرمت راهها داشته است. وزیر انطباعات آن عصر که در جریان تمام فعالیت های درباری بوده است، یادداشت های خوبی در این باره بر جای گذاشته است. او می نویسد: برای ساختن راه تهران به جنوب، ناصرالدین شاه یکصد هزار تومان اختصاص داده است که یک راه از تهران به محمره ساخته شود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۵۵). ساختن و پرداختن تمام خط راه عتبات عالیات از تهران تا خانقین به دست مسیو کاستگرخان که همه راه را مسطح و هموار و عراده رو کرد، قبل از سفر ناصرالدین شاه به کربلا صورت گرفت (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۵۲). نوسازی کاروانسراهای واقع در این راه که در سال ۱۲۸۷ق صورت گرفت، نمونه ای از توجه خاص به راه عتبات در این دوره به حساب می آید (ادیب الملک، بی تا: ۱۳۶۲). در این مسیر تعداد زیادی کاروانسرا وجود داشت که همه آنها در یک اندازه و به یک میزان اهمیت نداشتند. دو کاروانسرای حوض سلطان در قم و کاروانسرای ماهیدشت در کرمانشاه مهم ترین و پررونق ترین کاروان های احداث شده در این مسیر بوده اند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۶۲). کاروانسراهای این دوران در شیوه ساخت نسبت به ادوار

گذشته چندان متفاوت نبودند. اجزاء و بخش های کاروانسراها همچنان شامل باربندها و اتاق‌هایی بوده است که پیرامون حیاط ساخته می‌شدند. در پشت این غرفه‌ها، فضای تالارمانندی برای نگهداری چهارپایان و احشام تعبیه می‌گردید. در مجموع، تمام این مجموعه با دیوارها و برج‌های بلندی که به منظور تأمین امنیت ایجاد می‌شدند، محصور می‌گشتند. نکته مهم برای کاروان‌ها حفظ امنیت جانی و مالی اهالی کاروان‌هایی بوده است که به آنها وارد می‌شدند و تمهیدات فیزیکی انسانی خاصی برای افزایش امنیت به‌کار بسته می‌شد؛ از جمله اینکه کاروانسراها فقط یک راه خروجی و ورودی داشتند تا نظارت لازم صورت پذیرد (سیرو، ۱۹۴۹: ۶۰).

در راستای تأمین امنیت، برای مسافران دولتی و سیاحان خارجی گذرنامه همراه کاروان صادر می‌شد که مهمور به مهر دولتی بود تا نشان دهد آنها دارای مصونیت امنیتی و سیاسی خاص هستند. البته، کاروان‌های دولتی غالباً با خود اسلحه حمل می‌کردند تا در صورتی که مورد حمله راهزنان قرار گیرند، بتوانند به‌خوبی از خود و اموال و اثاثیه کاروان دفاع و محافظت کنند (بروگش، ۱۳۶۷: ۲۶۷). در مناطقی که اهمیت سوق‌الجیشی بیشتری داشت، از قراسواران خاص و توانمند استفاده می‌شد. این‌گونه محافظان بیشتر در دوره ناصرالدین‌شاه دیده می‌شدند (افضل‌الملک، ۱۳۸۴: ۵۴). از اقدامات دیگر دولت قاجار گماشتن سرباز در گردنه‌ها بود؛ مثلاً، در گردنه اسدآباد که تمام مسافران مسیر عتبات باید از این گردنه عبور می‌کردند، موقعیت مناسبی برای حمله و غارت راهزنان بوده است. از این رو، حدود شصت نفر سرباز برای محافظت از این گردنه در آنجا مستقر می‌شدند (بروگش، ۱۳۶۷: ۲۹۹). در انتهای مسیر قم - قصرشیرین، وظیفه مهم تأمین امنیت به طایفه‌ها و یا اهالی منطقه‌ای خاص سپرده می‌شد (اعتصام‌الملک، بی‌تا: ۱۲).

در دوره کریم‌خان نیز سه راه عمده مبادله کالا وجود داشت که مهم‌ترین آنها راه قم - قصرشیرین بوده است. از این راه، شال کشمیر، چیت، پوست بره، ابریشم، تنباکو و غیره صادر می‌شد و از طریق عثمانی محصولات و فرآورده‌های اروپایی و منسوجات دمشق و حلب، مواد رنگی، جواهرات و سکه وارد می‌گردید. راه قم - قصرشیرین بیش از آنکه به حمل‌ونقل کالاهای تجاری اختصاص داشته‌باشد، مورد استفاده زایران قرار می‌گرفت. از سویی، این مسیر مهم‌ترین راه رفت‌وآمد حاجیان بوده است. بسیاری از زایران خانه خدا در عین حال که به سفر زیارتی و مذهبی می‌رفتند، از فرصت پیش‌آمده استفاده کرده، به امر تجارت نیز می‌پرداختند. این امر به‌خصوص با توجه به اینکه زایران از پرداخت مالیات و

عوارض گمرکی معاف بودند، مشوق زایران در امر تجارت و یا ارائه خدمات فنی و حرفه‌ای بوده است. البته، این امر مطلوب عثمانی نبوده است و درصدد ممانعت از آن بوده‌اند؛ مثلاً، پاشا لیک، پاشای بغداد، که می‌خواست این رویه را برهم‌زند، با کریم‌خان زند دچار چالش گردید (پری، ۱۳۶۸: ۳۵۷).

در مسیر قم - قصر شیرین، منازل و شهرهای متعددی وجود داشت. از قم که ابتدای راه بود، به تاج خاتون می‌رفتند؛ منزل بعدی سیاوشان بود که از جنوب به سلطان‌آباد می‌رفت (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۴۰). منزل‌های بعدی به ترتیب بروجرد، نهاوند، ملایر، همدان، اسدآباد، کنگاور (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۲۵۶)، بیستون، ماهیدشت، هارون‌آباد، کردند، پایین‌طاق، میان‌طاق، پل زهاب و در نهایت قصر شیرین نقطه پایانی این راه بود (ادیب‌الملک، بی‌تا: ۴۹).

۳. کارکردهای اقتصادی راه قم - قصر شیرین

اهمیت و کارکرد اقتصادی راه قم - قصر شیرین تا حد زیادی متأثر از نوع روابط دولت قاجار و عثمانی بوده است. زمانی که این روابط دوستانه و یا حداقل بدون منازعات سیاسی و نظامی بود، روابط تجاری و اقتصادی توسعه می‌یافت. علاقه مردم شیعی مذهب ایران به زیارت مشاهد متبرکه واقع در بین‌النهرین عراق، یعنی کربلا و نجف و کاظمین و مخالفت و ستمکاری حکام و دست‌نشانندگان متعصب و خشک‌مغز امپراتوری عثمانی در آن نواحی نسبت به زوار ایرانی، از مسائلی بود که همواره توجه پادشاهان ایران را به خود جلب می‌کرد. وجود مراکز عشایرنشین، در سرحدات دو دولت و دورویی و نفاق و سیاست‌مآبی بعضی از حکام محلی مثل حکام بغداد و سلیمانیه و شهر زور نیز آتش نفاق و کینه را بین دو دولت دامن می‌زد و از همه مهم‌تر، مسئله سرحدات ایران و عثمانی بود که بعد از نبردهای دوره نادرشاه افشار و شکست‌های پی‌درپی سپاه عثمانی، هنوز به صورت صحیح و روشن درنیامده بود و دعاوی دو دولت درباره بعضی از سرحدات مثل ناحیه سلیمانیه (مسکن ایلات کرد موسوم به بابان) حل نشده بود. حکام سلیمانیه و شهر زور بنا به معمول آن عصر اغلب از جانب پاشای بغداد و با موافقت دربار قاجار تعیین و منصوب می‌شدند و اغلب اوقات برای تعیین حکام بلاد مزبور بین پاشای بغداد و مأموران رسمی ایران در غرب اختلاف نظر به میان می‌آمد. دربار عثمانی که در حقیقت بازیچه دست سرداران فاسد و شهوتران «ینی‌چری» و فاقد هرگونه تصمیم و اراده بود، غالباً از تمایلات حکام بغداد پیروی می‌کرد و چون وضع سیاسی عثمانی به صورتی درآمده بود که پاشاها یعنی حکام بزرگ در

حوزه‌های حکمرانی خود آزادی عمل و استقلال کامل داشتند، دربار عثمانی خواه و ناخواه در اختلافات ایران با پاشای بغداد نه به‌عنوان یک دولت رسمی و آمر، بلکه به‌عنوان یک مأمور معذور دخالت می‌کرد. سیاست فرصت‌طلبی و دورویی در برابر ایران از طرف دربار عثمانی پیوسته و در تمام ادوار تاریخ روابط این دو کشور، عنصر بارز سیاست خارجی عثمانی بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳). هنگام فراغت، قوای خود را به مرزهای ایران، برای چپاول و غارت می‌فرستاد و عشایر مرزی را به طغیان و شورش برمی‌انگیخت، ولی همین‌که از نیروی ایران شکستی می‌دید و یا در جبهه اروپا به جنگ با روسیه و یا در جبهه شامات به جنگ با محمدعلی پاشا سرگرم می‌شد، با ایران از در دوستی درمی‌آمد و با عذرخواهی و اعزام سفرای فوق‌العاده، سیاستمداران بزرگوار و باگذشت و یا غفلت‌زده و بی‌خبر ایران را اغفال می‌کرد و در همان حال، دست‌نشانندگان پاشای بغداد در کربلا و نجف در آزار و اذیت زوار ایرانی می‌کوشیدند و از هیچ‌گونه تخفیف و تحقیر و اهانت نسبت به اتباع ایرانی دریغ نداشتند.

توسعه‌طلبی امپراتوری عثمانی و مسائل ناشی از تعصب دینی مردم ایران و عثمانی علل حقیقی کشمکش‌ها و جنگ‌های ایران و عثمانی از آغاز تشکیل دولت صفویه تا انقلاب مشروطیت ایران بوده است. برای تشدید و ادامه این کشمکش‌ها و جلوگیری از اتحاد و اتفاق دو دولت مسلمان، سیاست‌های استعماری دول اروپا به‌خصوص سیاست‌های شوم افغانستان و روسیه تزاری، پیوسته بهانه‌ها و وسائلی برمی‌انگیختند و تنور این معرکه را که ضعف و بیچارگی هر دو دولت را دربرداشت، گرم نگاه می‌داشتند. در دوران فتحعلی‌شاه، مسئله حکمرانی سلیمانیه پیش آمد که طبق قرارداد ۱۱۵۹ق، این قلعه و قصبات مجاور آن به ایران تعلق گرفت و تا زمانی که از طرف دولت عثمانی نادیده گرفته می‌شد، موجب جنگ بین دو دولت می‌شد. کوشش‌های فتحعلی‌شاه برای مصالحه نتیجه نگرفت. این مسئله مقدمات لشکرکشی و جنگ‌های ممتدی را بین قوای ایرانی و عثمانی در غرب فراهم ساخت و زیان معنوی این جنگ‌ها برای ایران که سرگرم نبرد با روسیه بود، بیش از لطمه‌ای بود که به دولت عثمانی وارد آمد.

جنگ مریوان (۱۲۲۱ق) اتفاق افتاد. فتحعلی‌شاه برای حفظ سرحدات غرب از تجاوز قوای عثمانی و سرکوب کردن شورش‌ها و طغیان‌های محلی، پسر دوم خود، محمدعلی میرزا دولتشاه، را از راه قزوین و همدان به طرف کرمانشاهان حرکت داد و تمام حملات ایران از این مسیر انجام می‌شد. بعد از شکست قوای عثمانی صلح برقرار شد. بدین ترتیب،

ظاهراً اختلافات سیاسی دولتین برطرف و روابط دوستی بین طرفین برقرار گردید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۴ / ۲۸۴۰).

مبادلهٔ سفرا بین ایران و عثمانی مدت ۵ سال از بروز جنگ جدید میان دولتین جلوگیری کرد. سلطان محمدخان ثانی برای تحکیم مبانی صلح و برای آنکه پادشاه ایران را در آن موقع گرفتار جنگ با دشمن عثمانی، یعنی روسیه، می‌دید، هیئتی از رجال دربار خود را که عبدالوهاب پاشا و شاکرپاشا و حیرت‌پاشا جزو آنان بودند، به تهران روانه کرد و آن هیئت در ربیع‌الثانی سال ۱۲۲۶ق وارد پایتخت شدند و در نتیجهٔ مذاکراتی که با میرزا شفیع صدراعظم ایران به‌عمل آوردند، قرار شد که حاکم شهر زور همیشه از طرف دربار ایران تعیین شود و ولایت بغداد نیز به شخصی که مسالمت‌جو و مورد اعتماد دولتین باشد، تفویض گردد و حکام عثمانی در کربلا و نجف از آزار زوار ایرانی خودداری کنند و هر دو دولت در ابراز دشمنی با روسیه پافشاری کنند و هریک از دو دولت که با روسیه عهدنامهٔ صلحی برقرار سازد، منافع طرف دیگر را نیز در آن عهدنامه منظور نماید (سپهر، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۱۴). این سفارت، هرچند که بنا بر مقتضیات سیاسی آن زمان، کاملاً ضروری و پیشنهادهای دولت عثمانی منطقی و به نفع هر دو دولت بود، چنین به‌نظرمی‌آمد که جز یک حيله و خدعهٔ سیاسی چیزی بیش نبوده‌است و شاید قصد سلطان عثمانی اغفال و انصراف خاطر سران سپاه غرب از ادامهٔ عملیات نظامی در بین‌النهرین بود، زیرا هنوز اندک‌زمانی از عقد پیمان نگذشته بود که مجدداً پاشای بغداد به اشارهٔ سلطان عثمانی آتش اختلاف و جنگ را دامن‌زد (شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۷).

عبدالله‌پاشا، حاکم جدید بغداد، که بدون موافقت قبلی فتحعلی‌شاه از طرف سلطان عثمانی به آن سمت منصوب شده بود، در اواسط سال ۱۲۲۷ق شهر زور را از عبدالرحمان‌پاشا، دست‌نشاندهٔ ایران، گرفت و اسماعیل‌آغا، حاکم اربیل، را به تهران فرستاد و پیغام داد که چون وجود عبدالرحمان در شهر زور موجب بروز اختلاف بین دو دولت همجوار خواهد بود، به ملاحظهٔ صلاح دولتین، حکومت شهر زور بایستی به شخص دیگری محول گردد. فتحعلی‌شاه از آن پیغام و خودسری پاشای بغداد در خشم شد و چون سلطان عثمانی برخلاف پیمان، هنگام عقد قرارداد صلح با روسیه به هیچ‌وجه نامی از ایران نبرده و منافع ایران را منظور نکرده بود، به محمدعلی‌میرزا دستور داد که به‌رغم تمایلات سلطان و پاشای بغداد، عبدالرحمان را به حکومت شهر زور برقرار سازد و این امر موجب بروز جنگ جدید گردید. در شعبان سال ۱۲۲۷ق، حمله به بغداد را آغاز کرد. عبدالله‌پاشا

بار دیگر به خدعه متوسل شد و نیرنگ او در ذهن شاهزاده ساده لوح قاجار، محمدعلی میرزا، مؤثر افتاد. وی شیخ محمدجعفر نجفی، از علمای شیعه ساکن نجف، را به شفاعت نزد دولت‌شاه فرستاد و چنان وانمود کرد که از اول با پیشنهاد شاهزاده موافق بوده است و جنگ بین دو ملت مسلمان هرگز صلاح نیست. به این ترتیب، با تحریک احساسات مذهبی دولت‌شاه حمله قوای ایران را خشتی کرد، زیرا چون وی با انتصاب عبدالرحمان پاشا به حکومت شهر زور اجباراً موافقت کرد، دولت‌شاه سپاهیان خود را از حوالی بغداد عقب کشید و بغداد از خطر محاصره نجات یافت (خورموجی، ۱۳۴۱: ۱۷/۲).

پس از آن تعرض، دربار عثمانی به ارزش نظامی سربازان ایران تا حدی آشنا شد و یک چندی آرامش در سرحدات غربی برقرار گردید. اسعدپاشا با موافقت دربار ایران و توسط نماینده‌ای که فتحعلی شاه به بغداد فرستاد، در سال ۱۲۲۸ق به حکومت آن شهر منصوب گردید. در همان اوقات، سفیر فوق‌العاده‌ای به نام جلال‌الدین پاشا از طرف سلطان عثمانی به تهران آمد و مدتی با حضور عبدالوهاب پاشا و میرزا قزوینی برای حل اختلافات سرحدی مذاکره کردند و سرانجام فتحعلی شاه، میرزارضا قزوینی را با سفیر فوق‌العاده سلطان به اسلامبول فرستاد و دربار عثمانی همه پیشنهادهای فتحعلی شاه را درباره حکومت شهر زور و بغداد و مسئله زوار ایرانی در مشاهد متبرکه و اختلافات سرحدی پذیرفت و سفیر ایران در اواخر ذی‌الحجه (۱۲۲۹ق) به تهران بازگشت. این صلح تا سال ۱۲۳۶ ق دوام داشت. حکام ترک در ارمنستان عثمانی به وسایل مختلف نسبت به تحریک و اغوای عشایر مرزنشین آذربایجان و کردستان کوشش می‌کردند. در آغاز سال ۱۲۳۶ق، قاسم‌آقا حیدرانلو به تحریک سلیمان پاشا، والی بایزید و موش (شیز)، با اتباع خود که در قلمرو حکومت ایران بودند، به خاک عثمانی کوچ کردند و عده‌ای از افراد ایل سیبکی را نیز با خود بردند. چون مرزداران ایران خواستند از خروج آنان جلوگیری کنند، سرفرمانده سپاه ترک در ارمنستان (شهر وان مرکز فرماندهی ترک‌ها بود) مداخله کرد و این زمینه جنگ‌های دیگری از جمله توپراق‌قلعه شد که در نهایت در سال ۱۲۳۹ ق با پیشنهاد عثمانی به صلح انجامید. در اوایل سال ۱۲۳۷ق، مذاکره صلح بین نمایندگان دو دولت در تهران و ارزروم (ارزنه‌الروم) آغاز شد. محمدامین از طرف دربار عثمانی مأمور بود که با حفظ منافع آن دولت صلحی با ایران برقرار کند. میرزاتقی خان فراهانی، نماینده ایران، و محمدامین پاشا، نماینده عثمانی عهدنامه ارزروم را در یک مقدمه و ۷ ماده و یک خاتمه در ارزروم امضا و به اسلامبول فرستادند. سلطان محمودخان آن را در تاریخ ذی‌القعدة ۱۲۳۸ق امضا کرد و توسط سفیر خود به تهران

فرستاد. فتحعلی‌شاه با حضور سفیر عثمانی بعضی از مواد عهدنامه را تغییر داد و در ربیع‌الثانی ۱۲۳۹ق، نسخ آن را که به فارسی و ترکی نوشته شده بود، امضا کرد (شیرازی، ۱۳۶۳: ۵۰).

چون کالای صادراتی ایران به ممالک اطراف مدیترانه از طریق بین‌النهرین و متصرفات دیگر عثمانی، در آسیای غربی می‌گذشت و علاوه بر آن، بنا به عقاید دینی، مردم ایران پیوسته طالب و آرزومند زیارت مشاهد متبرکه واقع در بین‌النهرین عراق بودند، در عهدنامه ارزروم مواد مخصوصی درباره وضع تجارت طرفین و مسافرت ایرانیان به کربلا و نجف قید گردید و به موجب آن مواد، قرار شد که از کالاهای صادراتی ایران به متصرفات عثمانی فقط صدی چهار از قیمت اصلی کالا، گمرک گرفته شود و عمال ترک در بین‌النهرین عراق با زوار ایرانی در وصول به مقصد و تسهیل وسایل سفر همکاری کنند.

در آن عهدنامه، نقاط مرزی با تفصیل و به وضوح تعیین نگردیده بود. مواد عهدنامه ارزروم نیز به استناد آن عهدنامه، اختلافات ارضی و مشکلات سرحدی دو دولت را به طور قطع از میان نبرد؛ علاوه بر آن، نقل و انتقال عشایر سرحدی و عادت آنان به بیلاق و قشلاق مشکلات بسیاری برای تحدید حدود فراهم می‌ساخت. به همین علل، از قوت و اعتبار عهدنامه ارزروم روزبه‌روز کاسته می‌شد و مسئله تعیین حدود ایران و عثمانی که بایستی فقط بین دو دولت و با دست نمایندگان ذی‌نفع حل شود، همیشه به صورت یک مشکل عمده سیاسی موجب تیرگی روابط دو دولت بود؛ تا آنجا که به دخالت و حکمیت دول استعمارطلب اروپا در آن امر منجر گردید و زدوخوردهای مرزی و اختلاف دو دولت تا پایان امپراتوری عثمانی و انقراض آن دولت و استقرار مشروطیت در ایران ادامه داشت. اما، روابط سیاسی ایران با عثمانی پس از معاهده ارزنة‌الروم با تأسیس نمایندگی سیاسی دایم در خاک یکدیگر، رو به بهبود گذاشته بود (نصیری، ۱۳۶۸: ۱/ ۲۵۸) و سفیر ایران در استانبول، در دربار عثمانی اعتبار و احترام کامل داشت و به طوری که از منابع داخلی تاریخ قاجاریه برمی‌آید، سفارتخانه ایران در پایتخت عثمانی ملجأ و پناهگاه اقلیت ارمنی ساکن خاک عثمانی و متظلمین و دادخواهان دیگر بوده است و در تهران نیز سفیر عثمانی مورد نهایت اکرام و احترام شاه و درباریان بود.

از این زمان، عثمانی به مهم‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل گردید. از ایران انواع ادویه مانند ثعلب و زیره و همچنین نشادر و تریاک که بیشتر در کرمانشاه به دست می‌آمد، به عثمانی صادر می‌شد (الیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۱). تنباکو و تریاک ایران بازار بزرگی را در بغداد به خود اختصاص داده بود و بی‌دلیل نبود که در بخش‌های مرتفع منطقه کرمانشاه زراعات، تنباکو و خشخاش رواج داشت (دمورگان، ۱۳۳۹: ۱۸۱).

قالی از دیگر کالاهای مهم تجاری بود که از طریق بغداد به کشورهای اروپایی صادر می‌شد. کرمانشاه و سلطان‌آباد از مراکز تهیه و توزیع قالی به حساب می‌آمد (جکسن، بی‌تا: ۲۷۶).
 روده، پشم، پوست، کتیرا، پنبه، گردو، بادام و کشمش از همدان صادر می‌شد که در این میان، پوست و چرم تولیدشده در آن شهر به مقدار زیاد به بغداد و روسیه صادر می‌شد (کرزن، ۱۳۸۰: ۶۰۴).

سقر و نفت سفید نیز از کالاهای صادراتی به اروپا بوده است که از این مسیر صادر می‌شده است. بنا به گفته الیویه، قلم تحریر که در عثمانی استفاده می‌شده است، از جنس نوعی نی است که در حوالی شوشتر و حویزه و کنار آب قره‌سو به دست می‌آمده است (الیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۱).

گروته نیز می‌گوید:

شال کشمیر و مشک و ادویه هم تمام ایران را سیر کرده و به مملکت عثمانی می‌رسید. در مقابل، ایران چیزی از مملکت عثمانی نمی‌آورد، مگر قدری خرما از بغداد و کمی برنج برای کرمانشاهان و همدان و مقدار کمی از متاع فرنگستان که از جانب حلب می‌آمد (گروته، ۱۳۶۹: ۹۸).

تجارت با عثمانی سبب فراوانی پول عثمانی در ایران بوده است (الیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۱). بنا بر گفته‌های عین السلطنه: بغداد در دوره قاجار، مرکز تجاری ایران بوده است و ایرانیان زیادی در بغداد صاحب مغازه بوده‌اند (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۸/۶۵۶۶).

نکته جالب در این زمینه عدم توازن تجاری و تراز تجاری مثبت به نسبت سه به یک به نفع ایران بوده است (جمال‌زاده، ۱۳۷۶: ۷). جدول زیر به خوبی این امر را نشان می‌دهد.

جدول ۱. صادرات و واردات ایران (دمورگان، ۱۳۳۹: ۱۱۸)

ردیف	صادرات ایران	واردات	مبلغ صادرات ایران
۱	قالی ترک		۴۰۰۰ لیره
۲	حیوان (گوسفند)		۳۰۰۰۰
۳	پشم		۲۰۰۰
۴	کره		۳۰۰۰۰
۵	غلات، مازو، کشمش، سقر، توتون و...		۳۷۷۰۰۰
۶	محصولات متفرقه		۷۰۰۰
۷	جمع کل صادرات		۳۰۵۰۰۰
۸	جمع کل واردات		۷۰۰۰

شهر قم به دلیل اینکه محل تلاقی جاده‌های تهران، قزوین، سلطان‌آباد، بروجرد، همدان، یزد، کاشان و اصفهان بود، از موقعیت خاص تجاری برخوردار بود (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۷۵)؛ همچنین، به دلیل اینکه در سر راه تهران به بغداد واقع شده بود، محل عبور کاروان‌ها و دادوستد کالاهای گوناگون بوده است که این امر موجب رونق تجاری و جلب جمعیت زیاد به آن شهر گردید (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۴۳). از قم تا تاج‌خاتون یک فرسنگ و نیم فاصله (تاج‌خاتون سرحد قم و سلطان‌آباد بوده است) (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۳۰۱) و بعد از تاج‌خاتون روستای جیروود منزل بود. از جیروود منزل بعدی سیاوشان است و مسافت شش فرسنگ، جاده از جنوب سیاوشان به سلطان‌آباد می‌رفت که هفت فرسنگ راه بود (ویلز، ۱۳۳۸: ۱۴۰). سلطان‌آباد که کانون عمده بعدی در قسمت جنوبی این راه به‌شمار می‌آمد، در مرکز روستاهایی بود که هنرشان بافت قالی بود. صنعت قالی‌بافی به علت واردکردن پشم رشد داشت. این پشم‌ها را از همدان، گلپایگان و کرمانشاه وارد می‌کردند (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۲۹).

سلطان‌آباد مرکز عمده صنعت قالی‌بافی ایران به‌شمار می‌رفت (ادیب‌الملک، بی‌تا: ۲۳). فرش‌هایی که در سلطان‌آباد بافته می‌شد و یا در آنجا گردآوری می‌گردید، از طریق راه قم - قصرشیرین به اروپا صادر می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۲۵)، به طوری که تجارتخانه «زیگلر»، سویسی مقیم در منچستر، فقط یک شعبه در آنجا داشت که مخصوص صادرات قالی بود (ساوجلان‌دور، ۱۳۲۴ه.ق: ۹۹). برای نظارت بر این صنعت، تجار انگلیسی و سویسی، مأمورانی در سلطان‌آباد داشتند (دمورگان، ۱۳۳۹: ۱۷۰). این شاهراه مهم باعث سوءاستفاده‌های کشور انگلیس شده بود و طبق گزارشی که در تاریخ یکشنبه ۱۲ آذر ۱۳۰۰/ ۴ دسامبر ۱۹۲۱/ ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰ از سلطان‌آباد به وزارت امور خارجه رسیده بود، میرزا طروس ارمنی، نماینده یکی از تجارتخانه‌های دولت انگلیس، سی نفر قالیباف زن و مرد را از سلطان‌آباد اجیر کرده و بدون اطلاع کارگزاری، آنان را برای تأسیس کارگاه قالیبافی از راه بغداد به هندوستان اعزام کرده بود. میرزا طروس ارمنی این کارگران را به بهانه زیارت عتبات عالیات از ایران خارج کرده بود (فراهانی، ۱۳۸۵: ۶۵۴).

تجارت قالی در دوره ناصرالدین‌شاه تنزل پیدا کرد. دلیل آن استفاده از رنگ‌های خارجی و غیرثابت روسی به جای رنگ‌های طبیعی بود (قاضی عسگر، ۱۳۸۲: ۹۲) این محموله قاچاق از کردستان ایران از راه سلیمانیه - بانه - مریوان سندج وارد سلطان‌آباد (اراک امروزی) می‌شد. این راه سخت و صعب‌العبور به کردستان عثمانی مرتبط بود و به دلیل ارزانی هزینه‌ها مورد استفاده قاچاقچیان و اغلب، سوداگران قرار می‌گرفت (ویلز، ۱۳۳۸: ۱۳۲).

به غیر از تجارت خارجی که منطقه سلطان‌آباد با کشورهای اروپایی داشت، تجارت داخلی سلطان‌آباد هم از قرارگرفتن در مسیر قم - قصرشیرین متأثر بود. از کرمانشاه به سلطان‌آباد گندم و غلات با شترهای بسیاری که در آنجا وجود داشت، به تهران حمل می‌شد (دوراند، بی تا: ۱۹۲). انار ساوه از طریق سلطان‌آباد به کرمانشاه، همدان، عراق عجم، تهران، قزوین، خمسه (زنجان)، رشت و ولایات آذربایجان می‌بردند (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۲۷۴). شهر همدان در غرب فلات ایران در مسیر قم - قصر شیرین قرارداشت (موریه، ۱۳۸۵: ۳۰۹). در دباغخانه‌های همدان در امر فرآوری، چرم مخصوص تولید می‌شد که از آنها در ساخت کفش و کلاه استفاده می‌شده‌است (بایندر، ۱۳۷۰: ۴۳۴) که زایران و مسافرانی که عازم قصرشیرین و عتبات بودند، خریداری می‌کردند (ادیب‌الملک، بی تا: ۲۳). از طرفی کاروان‌هایی که از بغداد باز می‌گشتند، محموله‌های خود را که پارچه‌های پنبه‌ای بود، در همدان می‌فروختند (بروگش، ۱۳۶۷: ۳۱۲).

قرارگرفتن ملایر، تویسرکان و بروجرد در مسیر جاده بغداد، سبب شد ولایات تابع همدان نیز از مزیت تجاری برخوردار شده‌بودند. کشاورزان و روستاییان محصولات خود را به میادین شهرها و کاروانسراهای شهری که محل عبور زوار و مسافران بود رسانده و از این طریق محصولات کشاورزی خود را به فروش می‌رساندند.

ولایات تابع همدان نه تنها میوه خشک برای احتیاجات داخلی ایران، میوه‌هایی همچون سیب و گلابی (سیف‌الدوله، ۱۳۸۴: ۲۷۳) و توتون و قالی را به اروپا و تریاک مرغوب به بغداد صادر می‌کردند (دمورگان، ۱۳۳۹: ۱۶۸)، مردم ملایر هم که در چیت‌سازی و قلمکاری استاد بودند، محصولاتشان در ایران و اروپا خواستار داشت (سیف‌الدوله، ۱۳۸۴: ۲۷۴).

قلب تجاری راه قم - قصرشیرین، شهر کرمانشاه بود که زندگی مردم آن شهر و نواحی اطراف را به طور محسوس تحت تأثیر قرار داده بود (همان: ۲۷۶). قصبه کنگاور در حدود ۵۱ کیلومتری بیستون یا چهارفرسخی صحنه قرارداشت. دکان‌ها و دکه‌های فروشندگانی که گندم، جو، پنبه و گلابی می‌فروختند، در یک امتداد ساخته شده بود. در هر دو سو، دارای توقفگاه‌هایی بودند که به قطار شتران و استران سنگین بار که به سوی کرمانشاه و بغداد در حرکت‌اند، جا و منزل داده می‌شد (جکسن، بی تا: ۲۷۶). پس از گذشتن از دو فرسخی کنگاور در راه رسیدن به صحنه، در نیمه راه قراولانی دیده می‌شد که از جاده محافظت می‌کردند و مسافران گاه به آنان انعامی می‌دادند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۹۰).

بعد از کنگاور با فاصله ۶ فرسخ، بارانداز بعدی صحنه بوده است (ویلر، ۱۳۶۸: ۱۴۶).

منزل بعدی در محل بیستون قرارداداشت که به دلیل وجود کتیبه بیستون، علاوه بر زایران و حاجیان (ادیب‌الملک، بی‌تا: ۴۹)، مسافران اروپایی که برای دیدن بیستون و کاوش آمده بودند نیز دیده می‌شدند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۹۰) که سبب افزونی رونق تجارت و حیات اقتصادی منطقه می‌گردید (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۳۲). منطقه مهم بعد از بیستون، کرمانشاه بوده است (ادیب‌الملک، بی‌تا: ۴۹).

امنیت این بخش از مسیر، موجب رجحان این راه بر راه جنوب گردیده بود. در نتیجه، کالاهای گران‌قیمت اروپایی از این مسیر وارد ایران می‌گردید (گروته، ۱۳۶۹: ۹۸). بنابراین، تمام ایالات لرستان، بروجرد، نهاوند، ایالت کردستان مرکزی ایران با شهر سنه (سندج) و ایالت همدان زیر پوشش کرمانشاه به‌عنوان مرکز توزیع کالا قرارداداشت (همان: ۲۸۶).

در بازار کرمانشاه، تجارت و دادوستد محصولات و فرآورده‌های محلی از قبیل غلات، گندم، جو، میوه، صمغ و تریاک با رونق تمام جریان داشت (جکسن، بی‌تا: ۲۶۹).

از کرمانشاه تا قصرشیرین منزل‌های دیگری وجود داشت که نخستین آنها ماهیدشت بود که در چهار فرسخی کرمانشاه قرارداداشت. پس از ماهیدشت، به فاصله شش فرسنگ هارون‌آباد قرارداداشت. اهالی هارون‌آباد از طریق تعویض اسب‌های خسته با اسب‌های آماده منافی به‌دست می‌آوردند (ادیب‌الملک، بی‌تا: ۶۳). کردن منزل دیگری از این مسیر بود که بعد از هارون‌آباد قرارداداشت (همان: ۶۳). وجود سنگ چخماق در آن منطقه، چخماق‌سازی را به یک حرفه پرطرفدار تبدیل کرده و چخماق‌ها نیز یک کالای صادراتی به مقصد داغستان و لگزی بوده است (سیف‌الدوله، ۱۳۸۴: ۲۵۹). منزلگاه مهم دیگر و آخرین منزلگاه در مسیر قم - قصر شیرین، شهر قصرشیرین بوده است که عایدات گمرک و دادوستد کاروان‌ها و ارائه خدمات به کاروانیان موجب جلب ثروت و سرمایه برای اهالی قصرشیرین می‌شده است (دمورگان، ۱۳۳۹: ۱۹۶).

۴. نتیجه‌گیری

راه قم - قصرشیرین در دوره قاجار مهم‌ترین راه داخلی ایران تا سرحدات غرب کشور بوده است. این راه به دلیل کارکردهای متنوعی که داشت، تأثیرات همه‌جانبه‌ای را در حیات سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی شهرها، سکونتگاه‌ها و منازل واقع شده در طول مسیر بر جای گذارده است. این مسیر مورد استفاده طبقات گوناگون اجتماعی قرار می‌گرفته است؛ توده‌های مردم از این مسیر راهی زیارت عتبات عالیات می‌شدند. نیاز بغداد به انواع کالاهای

ایرانی سبب گردید که تجار از این مسیر، تجارت پروونقی را با بغداد برقرار کنند؛ حتی، غربی‌ها نیز در امر تجارت از این راه سود می‌جستند؛ به‌ویژه انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و روس‌ها که علاقه وافری به تجارت فرش داشتند.

منابع

- ادیب‌الملک (بی‌تا). *سفرنامه ادیب‌الملک*، تصحیح مسعود گلزار، تهران: دادجو.
- اعتصام‌الملک، خانلر (بی‌تا). *سفرنامه اعتصام‌الملک*، مصصح منوچهر محمودی، تهران: مصحح.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۵۷). *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، مصصح اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۸۴). *سفرنامه قم*، قم: زائر.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲). *ایران امروز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- بایندر، هانری (۱۳۷۰). *کردستان بین‌النهرین و ایران*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: فرهنگسرا.
- براون، ادوارد (۱۳۸۶). *انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: کویر.
- بروگش، هینریش (۱۳۶۷). *سفری به دربار صاحبقران*، ترجمه کردیچه، تهران: اطلاعات.
- پری، جان (۱۳۶۸). *کریم‌خان زند*، ترجمه محمدعلی ساکنی، تهران: نشر نو.
- جکسن، آبراهام والتاین ویلیامز (بی‌تا). *سفرنامه جکسن*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۷۶). *گنج شایگان*، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۱). *حقایق الاخبار ناصری*، تهران: زوار.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- دمورگان، ژاک (۱۳۳۹). *جغرافیای غرب ایران*، کاظم ودیعی، تبریز: چهر.
- دوراند، سرتی مور (بی‌تا). *سفرنامه دوراند*، ترجمه علی‌محمد کسای، تهران: آفتاب.
- ساوجلان‌دور (۱۳۲۴ ه.ق). *سیاست‌نامه ایران*، ترجمه اسماعیل بن صحاف‌باشی، فهرست‌نویسی شده مرکز احیای میراث اسلامی قم، ج ۹ نسخه خطی به شماره ۴۹۳۶.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶). *ایران در جنگ بزرگ*، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- سیرو، ماکسیم (۱۹۴۹). *کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک بین راه*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: سازمان حفاظت آثار باستانی ایران.
- سیف‌الدوله، سلطان‌محمد (۱۳۶۴). *سفرنامه سیف‌الدوله*، به تصحیح و تحشیه علی‌اکبر خداپرست، تهران: نی.
- شیرازی، ابوالحسن (۱۳۶۳). *دلیل السفرا*، به تصحیح: محمد گلبن، تهران: دنیای کتاب.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ج ۸، تهران: اساطیر.

- فراهانی، حسن (۱۳۸۵). *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- فوروکاوا، نوبوشی (۱۳۸۴). *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجبزاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قاضی عسگر (۱۳۸۲). *حدیث قافله‌ها*، قم: مشعر.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ترجمه غلام‌علی وحیدمازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹). *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۰). *تاریخ ایران دوره صفویه (از مجموعه کمبریج)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- مهدوی، هوشنگ (۱۳۸۸). *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران: امیرکبیر.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۶۴). *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران*، دوره افشاریه، گیلان: جهاد دانشگاهی.
- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸). *ایران در یک قرن پیش*، ترجمه قراگزلو، تهران: اقبال.
- هدایتی، هادی (۱۳۳۴). *تاریخ زندیه*، تهران: دانشگاه تهران.
- البویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). *سفرنامه اولبویه: تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تهران: اطلاعات.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی